

ماتمسرا

جوی خون جاری شده بر کوی و ایوان وطن
مار آستین میچکد این زهر بر جان وطن
باز هم بر خاک و خون افتاد زدست ناکسان
بیش ز صد ها کشته و زخمی به دامان وطن
پهن گردیده گلیم غم شده ماتمسرا
هر محیط خانه و هر کلبه ویران وطن
تا به کی این فتنه و این بازیی غدر و فساد
می نماید طعمه خود خلق گریان وطن
از فریب و فتنهء اهریمنان گشتیم تباه
دام تزویرند وطندار دین فروشان وطن
بر ستیز بر دشمنان خلق افغان بیدریغ
وحدت و مردانگی است عزت و شان وطن
اشک خونین میدمد از دیدهء خونبار بری
میکند جان را فدا از بهر آرمان وطن